

جاودانگی

یادنامه «جام جم» برای پرویز ربیعی، دوبلور آثار ماندگار در گفت‌وگو با همکارانش

جاودانگی صدای خاطره‌ساز نسل‌ها

◀ صفحه ۷

درباره ناکامی بزرگ «کیک محبوب من»
در هفتادوچهارمین جشنواره برلین

چگونه خرس
کیک را له کرد؟!



جشنواره شعر فجر
در نگاه ۳ برگزیده اصلی هجدهمین دوره

شعر؛ بزرگ مظلوم
در رسانه‌های رسمی



پیمان جبلی با حضور در پشت صحنه
۳ سریال تاریخی در شهرک غزالی اعلام کرد

«مهیاریار» سال آینده
روی آنتن می‌رود



🔴 زاویه دید

تأملی بر چالش‌های حفظ و اشاعه زبان، به انگیزه سالگرد درگذشت دهخدا

بومی‌سازی مهم‌تر است یا فارسی‌سازی؟

🔴 سودای زودن واژگان بیگانه

زبان فارسی که امروز از آن استفاده می‌کنیم بازمانده و نواده‌ای از «پارسی میانه» و کهن‌تر از آن «پارسی باستان» است. طی چند هزار سال گذشته این زبان کهن دچار تغییرات و الحاقاتی شده و باید اشاره کرد که برخلاف تصور عموم این تغییرات همیشه هم از باب انحطاط یا در شکست‌ها به زبان وارد نیامده‌اند. از گوناگونی اقوام ساکن در ایران تا ارتباطات زیاد مردم ایران با مردمان دیگر کشورها به دلیل موقعیت جغرافیایی و گسترده‌ی ایران در طول تاریخ از جمله دلایل ایجاد تغییراتی هستند که زبان فارسی تجربه کرده، از همین رومی‌بینیم که بسیاری از این الحاقات نه‌تنها سبب انحطاط زبان فارسی نبودند بلکه به بالندگی و گسترش و کارایی این زبان نیز افزودند. با این‌همه چه از بین واژگانی که قدیم‌تر وارد زبان فارسی شدند و چه واژگانی که امروز به این زبان وارد می‌شوند همواره نگرانی و دغدغه جایگزینی این لغات و عبارات با برابرهای فارسی‌شان وجود داشته است.

🔴 تاسیس فرهنگستان زبان ایران

از سده سیزدهم هجری یعنی بیشتر از صد سال پیش جنبشی در ایران شکل گرفت که پالایش فارسی را از واژگان و عبارات و اصطلاحات بیگانه هدف قرار داد. این حرکت بعد از حکومت قاجار و در دوران سلطنت رضاشاه نیز ادامه پیدا کرد. در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی بود که «فرهنگستان زبان ایران» به کوشش نخست‌وزیر وقت، محمدعلی فروغی تاسیس شد که پاک‌سازی واژگان عربی از زبان را در دستور کار داشت. که البته موفق بود و واژگان بسیاری تولید کرد که امروزه در آذهای عموم پذیرفته شده و استفاده می‌شوند؛ «دانشگاه» برابر واژه انگلیسی «University» و «شهرداری» برابر واژه عربی

می‌کنیم. بسیار بیشتر از مجموعه واژگانی است که به کمک دستور زبان در جملات متصل می‌کنیم.

🔴 تبادُل واژگان بین زبان‌ها

بدیهی است که تبادُل واژگان بین زبان‌ها، امری گریزناپذیر و طبیعی است. به این ترتیب هیچ زبان زنده‌ای از نمی‌توانیم بیابیم که از واژگان زبان‌های دیگر خالی باشد. این تبادُل نه‌تنها اجتناب‌ناپذیر است بلکه در بسیاری از زمینه‌ها می‌تواند موجب بالندگی و تقویت زبان‌ها باشد اما چگونه است که به برخی واژگان وارداتی واکنش نشان می‌دهیم و برخی را به راحتی استفاده می‌کنیم؟ سؤال مهم‌تر این است که چه زمانی باید نگران هجوم این واژگان از سوی زبان‌های دیگر باشیم؟ بعد از تسلط اعراب مسلمان بر ایران بسیاری از واژگان عربی وارد فارسی شدند. از آن زمان تا به امروز ما بسیاری از این واژگان را استفاده می‌کنیم. سال‌ها از این رویداد می‌گذرد. این واژگان جایگاه خود را در ساختمان زبان ما پیدا کرده‌اند و به عبارتی بومی‌سازی و بازتعریف شده‌اند. نتیجه این‌که موارد استفاده و جایگاه واژگان عربی یا زبان‌های دیگر نزد ما و در زبان فارسی با جایگاهی که این واژگان در زبان مبدأشان دارند، متفاوت است و پس از این، به واژگان جدیدی (عمدتاً غربی) بر می‌خوریم که در دوران معاصر و حتی همین روزها وارد زبان‌مان می‌شوند و از آنها استفاده می‌کنیم. عمدتاً این واژگان در حوزه‌های علوم تجربی و تکنولوژی هستند و علت آن نیز واضح است. در دوران معاصر این کشورهای غربی هستند که علم تجربی و تکنولوژی را در سطح کلان توسعه بخشیدند و عرضه کردند. نتیجتاً طبیعی است که زبان مسلط بر این حوزه‌ها نیز تحت تأثیر همین موضوع تعیین شود.

هفتم اسفندماه روزی است که علی‌اکبر دهخدا، از بزرگ‌مردان علم و ادب زبان فارسی درگذشت. بیشتر ما که او را برای تالیف لغتنامه دهخدا می‌شناسیم، باید بدانیم این اثر ارزشمند که مولفش ۴۰ سال از عمرش را برای نگارش آن صرف کرد، چیزی بسیار بیشتر از یک گردآوری ساده است. دهخدا با انگارش این لغتنامه به پی‌ریزی نوعی حافظه تاریخی برای ایران معاصر دست یافت. پرداختن به اهمیت این اثر بزرگ، موضوع این نوشته نیست، بلکه سالمرگ این ادیب بزرگ را بهانه‌ای قرار داده‌ایم تا به پاره‌ای از تلاش‌های امروزه نهادهای فرهنگی در جهت حفظ و اشاعه زبان فارسی بپردازیم.

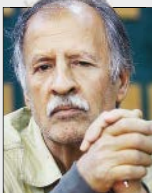
🔴 زبان فراتر از واژگان

زبان مادری، یعنی زبانی که مردمانی با آن صحبت می‌کنند، می‌نویسند و فکر می‌کنند از تأثیرگذارترین عوامل در برآیند اندیشه‌های یک ملت است؛ چه در ساختارها و اشکال، و چه در محتوایی که در سالیان دراز در تاریخ مردمی پرورده و انباشته شده، زبان نقشی تعیین‌کننده در فرهنگ و اندیشه مردمانی دارد که با آن زبان زندگی می‌کنند. به این ترتیب این زبان مادری، بسته به عواملی همچون پیشینه تاریخی، گسترده‌ی جغرافیایی و رویدادها و تأثیری که در تاریخش رقم خورده، ظرفیت‌ها و نقاط قوت و ضعفی را برای کاربرانش پیش رو می‌نهد. بنابراین اگر امروز زبان فارسی برای شعر گفتن یا داستان سرایی و خلق متون ادبی توانمند است، باید بدانیم این ظرفیت را وامدار اشخاصی است که در طول تاریخ این سرزمین به سخنوری یا قلم‌فرسایی پرداخته‌اند؛ شماری از آنها را همه ما می‌شناسیم و شمار بسیار بیشتری را هرگز نخواهیم شناخت اما باید به یاد داشته باشیم زبانی که امروز استفاده

🔴 امیرحسین فلاح
نویسنده و روزنامه‌نگار

🔴 دوشنبه نوشته‌ها

جایزه محبوب شما
علیه سینمای من؟!



محمدتقی فویم
انتقاد سینما

هفتادوچهارمین فستیوال برلین در متضخ‌ترین سطح سینمایی به کارش پایان داد. این جشنواره که یکی از فصل‌ترین رویدادهای ظاهراً سینمایی غرب شناخته می‌شود حالا به عیان رسیده که چیزی جز گزینش‌های شبه‌سیاسی در چنته ندارد. چند سالی است که به موازات سقوط این فستیوال به دامن سیاست‌های استعماری، جوایز اصلی آن از اعتبار هنری تهی شده، چه رسد به جایزه فیبرشی که قبلاً هم از جمله کم‌ارزش‌ترین جوایز سینمایی شناخته می‌شد. البته برخی فیلمسازان کشورهای به اصطلاح جهان سوم که «خودتقدیر» یا شناسنامه آنان شده است و گروهی که در آنچه دیگران دارند هضم شده‌اند و داشته‌های خود را به «پیش‌بین» دیگران می‌فروشند. همچنان برای رسیدن به فستیوال برلین و کسب خرس‌های رنگی و جایزه به شدت سیاسی فیبرشی، دست از پا نمی‌شناسند. اینان برای رسیدن به این کعبه آمال، به هر تمهید و ترفندی مبادرت می‌کنند تا بلکه با رسیدن به فرش هویت‌زای فیلمسازان کشورهای غیراروپایی و آمریکایی، ملا سری در بین سرها درآورند. یکی از راه‌های طی کرده این دسته از فیلمسازان، دور زدن قانون و نادیده‌انگاشتن مصوبات سینمایی در کشورهای مبدأ است. در واقع این فیلمسازان از همه امکانات این دیار استفاده می‌کنند تا برای فستیوالی کم‌آب‌و‌خرج کنند و خود از کنارش سهمی ببرند. گرچه مثلاً فیلمی مانند «کیک محبوب من» به اندازه هزینه‌اش، خصوصاً در تقابل با قوانین جاری، سهم قابل‌توجهی از حضور در برلین نصیبش نشد اما آسیب تحركات غیرقانونی‌اش قابل توجه است. در واقع دریافت جایزه مشترک فیبرشی یا چند فیلم دیگر، ارزش این همه تکیا برای رسیدن به فستیوال را توجیه نمی‌کند. اقداماتی از نوع گروه فیلم مذکور، وقتی قابل نقد است که باعث می‌شود تا رابطه متقابل قانون و فیلمساز شرآب و اعتماد قانون و قانون‌گذار به فیلمسازان در مرحله اتخاذ مجوز از بین برود. مثلاً به‌تأسیار صنعتی‌ها، یکی از سازندگان فیلم ضعیف و تحقیر کیک محبوب من می‌گوید: «یک پروانه ساخت فیلم کوتاه گرفتم با یک فیلمنامه دیگری به اسم شخص دیگری». تا اینجا کار همه پروسه ساخت فیلم صنعتی‌ها و شرکا، مبتنی بر سوء استفاده و دروغ و کلک و کلا دور زدن قانون و ناظران آن بوده است. بی‌تردید به نتیجه رسیدن از طریق نامطلوب، درجه‌ای گمراه‌کننده را پیش پای دیگران پهن می‌کند در عین آن‌که ممر و مسیر فیلم ساختن برای بقیه صنف را سخت‌تر می‌کند و در کل تلاش این گروه برای منافع شخصی و خدمت به غریبه‌ها، منافع صنفی انبوهی از همکاران را با خطر مواجه می‌کند؛ یعنی کمترین آسیبش، سرمایه‌گذاری دولت روی نیروهای نزدیک به خود است. اساساً اهمیت به فردیت در هنر ارزشمند ولی فردگرایی منفعت طلبانه (اندىوالیسم) مذموم است، چرا که مطالبات جمعی و مبارزات صنفی را با موانع و خطر مواجه می‌کند. به عنوان مثال چند سالی است که بخشی از صنوف سینمایی با موجودیت شورای پروانه ساخت مخالفند و برای تحقق این مطالبه خود که نظارت را به پس از تولید موقوف می‌دانند، مبادرت به تلاش‌های صنفی و مبارزات مسالمت‌آمیز جمعی می‌کنند و حتی در مقاطعی وارد چالش شده و بحث آن را رسانه‌ای کردند. در حالی که اقداماتی از قبیل کار گروه فیلم کیک محبوب من گرچه منجر به کسب منافع موقتی فردی آنان می‌شود اما (به مراتب) بیشتر از هر چیزی عامل خلل در کار صنفی و منافع جمعی صنف سینمایی می‌شود. اصل اساسی و اثبات شده «وجود قانون بد، بهتر از بی‌قانونی است» را زار بر پا گذاشتن، حداقل نه فقط در قاموس هنر محلی از اعراب ندارد بلکه همواره محتوایی قابل دفاع و پیگیر در قالب هنر و رسانه است. بیشتر از یک قرن است که هنرمندان هویتمند و ملی، مبارزه با گرایش «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» سرلوحه فعالیت و تولید محتوای خود قرار داده‌اند ولی این رویکرد ضد هنری و توجیه‌گرانه بعضاً قد علم می‌کند، پدیده‌ای که نباید در برابر آن کوتاه آمد.

برش

مواجهه با اندیشه به جای کلمه

هرچند استفاده از واژگان غریبومی برای عبارات تخصصی علوم تجربی یا نام‌های ابداعات و فناوری‌هایی که منشأ در کشورهای دیگر دارند بدون مشکل و در بسیاری از موارد اجتناب‌ناپذیر است، اما زمانی که به حوزه علوم انسانی یا ادبیات نگاه می‌کنیم داستان به همین سادگی روایت نمی‌شود. چرا که واژگان تنها حامل معنای تحت‌اللفظی خود نیستند، بلکه اندیشه‌ها را حمل می‌کنند. به این ترتیب وقتی با واژه «هلیکوپتر» روبه‌رو هستیم؛ واضح است به وسیله‌ای نقلیه مشخصی اشاره می‌کنیم که خصوصیات مشخصی دارد اما زمانی که با مفاهیم و لغاتی که در جامعه‌شناسی یا علوم سیاسی وجود دارد، نگاه می‌کنیم، موضوع متفاوت است؛ چرا که سیر تکامل این واژگان با همتهای شان در دیگر ملت‌ها و زبان‌ها متفاوت بوده و بدیهی است که مفهومی که می‌رسانند نیز متفاوت باشد. در اینجا ما غیر از واژگان غریبومی با مفاهیم غریبومی نیز مواجهیم؛ در نتیجه در بهترین حالت، معادل گرفتن از واژه، یک ترجمه است و ترجمه برای تألیف نمی‌تواند کافی باشد. در اینجا ذکر توضیحی از مرحوم دکتر سید جواد طباطبایی در مورد سیر واژگان «دولت» و «ملت» در ایران و اروپا خالی از لطف نیست: «دولت و ملت ایران، باستانی و

قدیم است، یعنی قبل از این که ماکلمه ملت را معادل کلمه «nation» در انگلیسی قرار دهیم؛ ایران دارای واقعیت ملی بوده است. یعنی تمامی اقوامی که در ایران بودند از زمان‌های بسیار دور ملتی را ایجاد کرده بودند و این ملت بوده که دولت خودش را در زمان‌هایی مانند هخامنشی و ساسانی ایجاد کرده اما چرا واقعیت ما متفاوت است و اروپا نمی‌تواند به ما پاسخ دهد؟ علت روشن است. زیرا تاریخ آنها با متفاوت است. مفاهیم از سیر تاریخ اخذ شده‌اند و اموری مجعول نیستند. مطالعه واقعیت هاست که ما را به آنجا رسانده که باید مفاهیمی ایجاد کرد و مواد مشتت را در قالب مفاهیم جدید ریخت، به دلیل تحول تاریخی متفاوت با مفاهیم غربی نمی‌توانیم تاریخ ایران را مطالعه کنیم». در نتیجه می‌بینیم که در مواجهه زبان فارسی با دیگر زبان‌ها بیش از این که با مواجهه لغات روبه‌رو باشیم با مواجهه اندیشه‌ها روبه‌رویم. در چنین شرایطی، صرفاً فارسی‌سازی واژگان به نوعی ترجمه از روی تعصب محدود می‌شود. حال آن‌که زبان فارسی امروز، شاید بیش از گذشته برای رقابت با زبان‌های مطرح دیگر به محتوای بویا و انگ‌دار نیاز دارد. در آینده این موضوع را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

